info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۷۹۰
دوشنبه / ۱۶ تیر / ۱۴۰۴
۱۱ / محرم / ۱۴۴۷
07 / July / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: یاهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۴۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱-۰۲۶
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

نکته

تسلیحات اتمی اسرائیل را چه کسی لو داد؟

در سپتامبر ۱۹۸۶، گزارش سنڈی تایمز با اطلاعات او برای اولین‌بار سکوت درباره زرادخانه اتمی اسرائیل را شکست. وی در آن زمان هنوز در لندن بود اما پیش از آنکه فرصت بتابعندگی بگیرد با خروج دانسته باشد طعمه عملیات پیچیده موساد شد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از عصر ایران، در میان همه رازهای امنیتی که دولت‌ها تلاش کرده‌اند برای دهه‌ها پنهان نگه دارند، اندکند رازهایی که با یک تصمیم یک نفر برملا شده‌اند. یکی از این افشاگران بحث‌برانگیز، مردخای وانونو است. یک یهودی مراکشی‌تبار، فیزیکدان هسته‌ای سابق در تأسیسات دیمونا در اسرائیل و کسی که در سال ۱۹۸۶ اطلاعات محرمانه‌ای را در اختیار رسانه‌ها قرار داد و برای اولین‌بار پرده از وجود زرادخانه اتمی اسرائیل برداشت.

مردخای وانونو در سال ۱۹۵۴ در مراکش به دنیا آمد. خانواده‌اش، همچون بسیاری از یهودیان شمال آفریقا، در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم به اسرائیل مهاجرت کردند. وانونو در شهر بتاح‌تیکوه بزرگ شد و بعدها در ارتش اسرائیل خدمت کرد. در دهه ۱۹۷۰ به عنوان تکنسین و بعدها تکنولوژیست در مرکز تحقیقات هسته‌ای دیمونا استخدام شد؛ همان جایی که دهه‌ها بعد نامش به‌واسطه آن جهانی شد.

دیمونا، واقع در صحرای نقب، یکی از مرموزترین مراکز تحقیقاتی اسرائیل بود. این کشور، برخلاف قدرت‌های بزرگ هرگز بطور رسمی وجود سلاح‌های هسته‌ای را تأیید یا انکار نکرده بود و سیاست «ابهام هسته‌ای» را در پیش گرفته بود. وانونو، در طول ۹ سال فعالیتش در دیمونا به بخش‌هایی از فعالیت‌های پنهان کاری‌شدهٔ این تأسیسات دسترسی پیدا کرد؛ از جمله اتاق‌هایی زیرزمینی که بدون اطلاع عموم، بخشی از فرایند تولید پلوتونیوم و سلاح هسته‌ای بودند.

وانونو در سال ۱۹۸۵ از کارش در دیمونا اخراج شد. اما پیش از ترک محل کار، دهها عکس از درون تأسیسات دیمونا گرفت. در آن زمان، او به‌تدریج از سیاست‌های اسرائیل و نیز اشغال سرزمین‌های فلسطینی ناراضی شده بود و به سمت گروه‌های چپ‌گرای ضدجنگ گرایش پیدا کرده بود. او همچنین در دانشگاه در رشته فلسفه تحصیل می‌کرد و بعدها به مسیحیت پروتستان گروید.

در سال ۱۹۸۶، وانونو به آسیو یس به استرالیا سفر کرد و در آنجا با یک روزنامه‌نگار سیدنی‌یه نام پیتر هان برخورد. آشنا شد که برای ساندی تایمز لندن کار می‌کرد. آن‌ها به لندن رفتند و در آنجا روزنامه ساندی تایمز به دقت اطلاعات، استادی عکس‌های وانونو را تأسیسات دیمونا را راستی‌آزمایی کرد. دانشمندان هسته‌ای تأیید کردند که بر اساس تصاویر و داده‌ها، اسرائیل احتمالاً بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ کلاهک اتمی در اختیار دارد؛ رقمی بسیار بالاتر از آنچه تا آن زمان حدس زده می‌شد.

در سپتامبر ۱۹۸۶، ساندی تایمز در گزارشی مفصل این اطلاعات را منتشر کرد و با این کار، برای اولین‌بار سکوت رسانه‌ای و سیاسی درباره زرادخانه اتمی اسرائیل شکسته شد. وانونو در آن زمان هنوز در لندن بود اما پیش از آنکه فرصت داشته باشد از بریتانیا بتابعندگی بگیرد یا به کشور دیگری برود، طعمه عملیات پیچیده موساد شد.

موساد، سرویس جاسوسی اسرائیل، که از مدت‌ها پیش رد وانونو را گرفته بود با استفاده از یک مأمور زن با نام رمز «سیندی» که نقش‌های کلاسیک او مأمور طراحی کرد. این زن با وانونو رابطه برقرار کرد و او پیشنهاد داد برای یک سفر کوتاه تفریحی به رم بروند. وانونو که از امنیت خود غافل شده بود، پذیرفت. آن‌ها به رم رسیدند و وانونو به محض ورود، توسط مأموران موساد ربوده شد، بی‌هوش گردید، و مخفیانه در کشتی‌ای به اسرائیل برگردانده شد. تا مدت‌ها کسی از سرنوشت او خبر نداشت تا اینکه اسرائیل اعلام کرد مردخای وانونو در بازداشت است و به جرم افشای اسرار امنیتی کشور در دادگاه محاکمه خواهد شد.

دادگاه وانونو در شرایطی محرمانه برگزار شد و او به ۱۸ سال زندان محکوم شد که ۱۱ سال آن را در انفرادی گذراند و تنها بعد، بدون تماس با دیگران، بدون اجازه گفت‌وگو و حتی بدون دسترسی به وسایل ارتباطی. این شرایط، از نظر بسیاری از نهادهای حقوق بشری، شکنجه روانی محسوب می‌شد. عفو بین‌الملل و دیگر سازمان‌ها بارها خواهان آزادی یا بهبود وضعیت او شدند.

در سال ۲۰۰۴، وانونو پس از ۱۸ سال از زندان آزاد شد اما آزادی‌اش تنها در ظاهر بود. دولت اسرائیل به او اجازه خروج از کشور نمی‌دهد، دیدار با روزنامه‌نگاران و دیپلمات‌ها را محدود کرده و حرکاتش را تحت نظر دارد و رفت‌وآمدش را شدیداً کنترل می‌کند. صرفاً به خاطر مصاحبه یا تلاش برای خروج از مرزها و وانونو حتی تا مدت‌ها حق نداشت با خارجی‌ها ازدواج کند و تا سال‌ها نتوانست به تلفن همراه یا اینترنت دسترسی داشته باشد.

وانونو پس از آزادی، به‌طور علنی زندگی نکرد. در اورشلیم زندگی می‌کرد و تلاش داشت با وجود فشارهای مداوم، به عنوان کسی که "وجدانش را دنبال کرده"، مسیرش را توجیه کند و همچنان از سوی بخشی از افکار عمومی جهان تحسین می‌شود و از سوی دولت اسرائیل به عنوان خائن دیده می‌شود.

در سال‌های اخیر، وانونو بارها از اسرائیل خواسته است که به او اجازه خروج از کشور بدهد و قصد داشت به نروژ، آمریکا یا استرالیا برود؛ جایی که بتواند زندگی تازه‌ای را شروع کند و در کنار همسر نروژی‌اش باشد. اما مقامات اسرائیلی معتقدند که او هنوز هم اطلاعات طبقه‌بندی‌شده در ذهن دارد و خروجش تهدیدی امنیتی محسوب می‌شود.

پرونده مردخای وانونو به گونه‌ای کلاسیک میان مرزهای قهرمانی اخلاقی و خیانت ملی نوسان دارد. از دید مدافعان آزادی اطلاعات و حقوق بشر، او وجدان بیداری بود که از خطرات یک مسابقه تسلیحاتی پنهان در قلب خاورمیانه پرده برداشت. اما از دید دولت اسرائیل، او کسی بود که امنیت ملی را به خطر انداخت؛ آن هم در منطقه‌ای پرتنش که هنوز برای اسرائیل همواره دشمنانی بتمامیت بوده است.

با وجود گذشت دهه‌ها، افشاگری وانونو همچنان یکی از موارد نادری است که یک فرد، بدون ابزار قدرت یا حمایت دولتی، موفق شد یکی از پنهان‌ترین برنامه‌های نظامی جهان را افشا کند. وانونو هرگز نه‌تکرار که هدفش تخریب اسرائیل بوده، بلکه عمولاً که کسی وجدان انسانی‌اش او را مجبور به گفتن حقیقت کرده است.

شاید در نهایت، مردخای وانونو نه یک قهرمان باشد و نه یک خائن؛ بلکه شخصی باشد که در دل تناقض‌ها در میله قدرت و وجدان، راهی را انتخاب کرد که عواقبش هنوز هم با اوست.

امروز با حافظ
من خاکی که از این در نتوانم برخاست
از کجا بوسه زنم بر لب آن قصر بلند؟
بازمستان دل از آن گیسوی مُشکین حافظ
زان که دیوانه همان به که بُود اندر بند

کعبه دل مسکن شیطان مکن
پاک کن این خانه که جای خداست
پروین اعتصامی

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۱۲	۰۴:۵۷	۱۲:۱۱	۱۹:۲۵	۱۹:۴۶

سعی نکنید انسان موفقی باشید، سعی کنید انسان ارزشمندی شوید...

آلبرت اینشتین

گزارش روز

سناریوی فریب جدیدی در راه است؟

از لغو سفر وزیر خارجه آمریکا تا استقرار سامانه‌های تاد و اعزام جنگنده‌ها به قطر، نشانه‌هایی وجود دارد که واشنگتن وارد فاز جدیدی از آرایش نظامی در غرب آسیا شده است. تحلیل‌گران از تکرار یک الگوی آشنا در بستر عملیات روانی و فریب می‌گویند

به گزارش پیام آشنا به نقل از نورنیوز، لغو سفر وزیر خارجه آمریکا به ژاپن و کره جنوبی با هدف تمرکز بر تحولات غرب آسیا پیام روشنی از جابه‌جایی اولویت‌های واشنگتن ارسال می‌کند. همزمان سفر فرمانده سنتکام به فلسطین اشغالی و انتشار خبرهایی در مورد اعزام چند فروند سوخت‌رسان و جنگنده آمریکایی به پایگاه العدید قطر، نشان‌دهنده سطحی از آمادگی در منطقه است. این تغییر آرایش می‌تواند بخشی از سناریوی عملیاتی یا عملیات روانی پیچیده در ادامه تنش‌های هفته گذشته باشد. در شرایطی که جنگ در غزه نیز وارد مرحله حساسی شده و تلاش‌های جدید و تا حدودی عجیب برای برقراری آتش بس در این منطقه از سوی آمریکا در حال پیگیری است و رویکرد میانجیگری نیز واکنش‌های متینی به این تحرکات داشته، تحولات منطقه‌ای به سرعت در حال تغییر است. در چنین شرایطی نباید از احتمال یک بازی فریب‌آمیز با هدف تغییر محاسبات طرف مقابل غافل بود.

استقرارهای جدید؛ آماده‌سازی برای چه؟

استقرار سامانه‌های پیشرفته دفاع موشکی تاد در عربستان سعودی و اعلام توقف ارسال سامانه‌های پاتریوت به یونان، به‌بهانه نیازمندی ارتش آمریکا به تجهیزات بیشتر، نشانه‌هایی آشکار جابه‌جایی ظرفیت نظامی آمریکا از شرق اروپا به غرب آسیا است. این اقدام هم‌زمان با تسریع روند آتش‌بس در غزه، می‌تواند بیانگر نگرانی واشنگتن از بروز یک درگیری گسترده در منطقه باشد یا برعکس، فریبی برای تغییر محاسبات طرف مقابل. این در حالی است که برخی منابع میدانی از افزایش تحرکات لجستیکی آمریکا در خلیج فارس خبر می‌دهند؛ تحرکاتی که ماهیت آن هنوز به‌طور کامل مشخص نیست اما به نظر می‌رسد با محوریت ایجاد آمادگی برای رخدادهای پیش‌بینی نشده طراحی شده است.

نشانه‌های تکرار یک الگو: بازخوانی رفتار ترامپ

اظهارات دیشب ترامپ مبنی بر اینکه "ما قصد آسیب زدن به ایران را نداریم" به‌طور خاص یادآور مواضع مشابه او در شب قبل از ۳۳ خرداد است که در نهایت به اقدامات تهاجمی منجر شد. رفتار شتابی ترامپ به عنوان فردی که جوهره رفتار او بر فریب و عدم قطعیت استوار است می‌تواند این اظهارات را به عنوان بخشی از یک عملیات فریب و جنگ شناختی دیگر در معرض نگاه تحلیل گران قرار دهد. در چنین شرایطی لازم است تحرکات میدانی و تغییر آرایش های نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی به دقت رصد و کنترل شود تا امکان بهره گیری آنان از اصل غافلگیری برای دست زدن به اقدامات شرارت آمیز وجود نداشته باشد. در این الگوی رفتاری آشنا که میتتی بر نمایش تمایل به مذاکره در سطح رسانه‌ای و آمادگی میدانی برای سناریوهای مختلف است در گذشته نیز بارها در رفتار آمریکایی‌ها تکرار شده و تجربه نشان می‌دهد نباید فریب ظاهر آن را خورد.

مرور تحولات اخیر نشان می‌دهد که آمریکا در حال پیاده‌سازی یک بازی چندلایه در غرب آسیاست از استقرار سامانه‌های تاد در عربستان و انتقال ظرفیت نظامی از شرق اروپا به منطقه تا تحرکات دیپلماتیک و مذاکراتی که می‌توانند تاکتیکی و فریبنده باشند. هم‌زمان خبر خروج بازرسان آژانس از ایران و تأکید بر مذاکرات فوری یک سیگنال چندلایه از حرکت آمریکا و هم‌پیمانانش به سمت اعمال فشارهای ترکیبی است.

در چنین شرایطی ضروری است تحرکات آمریکا و رژیم صهیونیستی با هوشیاری و بر اساس تجربیات قبلی ارزیابی و آمادگی‌های لازم برای اقدامات مقابله‌ای پیش‌بینی شود.

دیدگاه

گروسی و شاخه‌های شکسته زیتون

او چه جاسوس باشد و چه به طرقی دیگر در خدمت آمریکا و غرب؛ تفاوت چندانی نمی‌کند. کار از کار گذشته است. جنگ در گرفته و یک بدبینی بزرگ به جای آن نشسته است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، رافائل مارینو گروسی، دیپلمات آرژانتینی است که ۶ سال پیش در پی مرگ ناگهانی یوکیو آمانو به ریاست آژانس بین‌المللی انرژی اتمی رسید. اکنون در صدر امور اخیر است. او پس از اسرائیلی و نتانیاهو به عنوان یکی از عوامل اصلی وجرقه اولیه برافروخته شدن آتش جنگ اسرائیل به ایران یاد می‌شود.

آرژانتین از دهه ۱۹۵۰ درگیر گسترش برنامه‌های هسته‌ای بوده و تا سال ۱۹۹۵ حتی NPT را هم امضا نکرده بود و در کنار آمریکا، فرانسه و بریتانیا در راه‌اندازی برنامه هسته‌ای اسرائیل به این کشور کمک کرده بود. سوالات و ابهامات پاسخ طلبی وجود دارد که چرا گروسی متهم به لابیگری برای بمب اتم دارد و با گزارش غیرواقعی او وارد جنگ با ایرانی شده که حتی یک بمب هم ندارد و به NPT هم پایبند است.

در ۲۲ خرداد اسرائیل به بشتوانه زمینه‌سازی گروسی، قطعنامه صادره و با حمایت آمریکا، به ایران حمله نظامی گسترده کرد. ایران در گیر جنگ شد و هشت روز بعد شکایت خود را به دیبرکل سازمان ملل و شورای امنیت ارائه داد. محور این شکایت شخص آقای گروسی بود که متهم به گزارش غیرواقعی و ساختن کوه از کاه بود.

ماجرا از این قرار بود که قطعنامه صادره در شورای حکام آژانس علیه ایران که تحت تاثیر گزارش گروسی نوشته شده بود، به فعالیت‌های هسته‌ای ایران قبل از سال ۲۰۰۳ می‌پرداخت؛ این یعنی بیش از بیست و دو سال قبل. ایران پیش از این درباره آن سوالات و ابهامات پاسخ هایی داده بود و آن پرونده‌ها بسته شده بود. آنطور که سالها پیش از سوی مقامات ایرانی مطرح شده ماجرا به خبرنگاری مجاهدین خلق در برنامه هسته‌ای صلح آمیز ایران مرتبط است. دلستان لپ‌تابی که مدعا شده بود که فراموشی سپرده شده و با توجه به سابقه تروریستی و جاسوسی مجاهدین خلق، نه تنها غریب نیست بلکه امری کاملا محتمل است. حال اینکه آژانس کاه کهنه را باد می‌دهد و پرونده‌های بسته شده را دوباره باز می‌کند جای سوال جدی دارد و مصداق کامل گل آلود کردن آب برای اهداف خبثی است.

انتظاری که جامعه جهانی از رئیس سازمانی بین‌المللی در زمینه عدم اشاعه هسته‌ای و کنترل برنامه‌های تسلیحاتی دارد این است که با حفظ بی‌طرفی و دوری از سیاست‌زدگی به دغدغه‌های جامعه بین‌المللی در زمینه مخاطرات ناشی از گسترش سلاح‌های هسته‌ای پردازد اما رافائل گروسی نه تنها این مسئولیت را ندید بلکه بخشی از بازار آمریکا و اسرائیل برای حمله به ایران و محقق کردن نقشه بزرگ‌ترش دریاره خاورمیانه شد.

تهیه پیش‌نویس غربی، برگزاری جلسه شورای حکام آژانس و صدور قطعنامه در پایان اولتیماتوم شصت روزه ترامپ به ایران، گام‌های هماهنگی بود که بعد از گزارش گروسی شروع شد. پایان اولتیماتوم شصت روزه ترامپ به ایران که برای به حداکثر رساندن فشار جهت دستیابی به یک توافق جدید بود، درست همزمان با رای‌گیری در آژانس بود و در این دو دقیقا در زمانی که اسرائیل در حال آماده‌سازی هواپیماهای جنگی خود برای حمله به ایران بود، در نتیجه با تقسیم کارهای کثیف و تمیز، در ساعت سه بامداد حمله اسرائیل به ایران انجام گرفت.

ریاست آژانس، از البرادعی تا گروسی

رافائل گروسی از سال ۲۰۱۹ روی کار آمد. پیش از او یوکیا آمانو رئیس آژانس بود که ده سالی در این جایگاه قرار داشت. بیماری و مرگ ناگهانی آمانو بود که زمینه حضور گروسی را فراهم کرد. آمانو برخلاف گروسی چهره‌ای میانه‌رو و مدافع ایران بود. گزارش‌های او مگررا پایبندی ایران به برجام را تایید می‌کرد و و این طریق تهدیدهای بین‌المللی علیه ایران یکی پس از دیگری خنثی می‌شد. شاید به واسطه آسیایی بودن و ملیت ژاپنی‌اش درک عمیق‌تری از خطرات حمله هسته‌ای و سابقه آمریکایی‌ها در بمباران اتمی هیروشیما داشت. در دوره او بود که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی رسما پذیرفته بار پایبندی ایران به توافق هسته‌ای را تأیید کرد؛ مسئله‌ای که قطعا مقبول خاطر آنها که به دنبال اجماعی جهانی علیه ایران بودند، قرار نمی‌گرفت.

پیش از او البرادعی رئیس آژانس بود که به خاطر مواضع محکم و نقش آفرینی حساس، موفق به دریافت جایزه صلح نوبل شد. او از ۱۲ سال رئیس آژانس انرژی اتمی بود و در این مدت با گزارش‌های خود مانع از مداخله نظامی یا لوج‌گیری بحران می‌شد. اگر آمانو نظامی‌گری و گزارش‌های آژانس در موضوع هسته‌ای و گزارش‌های آژانس حکم نشود. او در آخرین گزارش خود نبود انحراف در برنامه هسته‌ای ایران را تأیید کرد اگرچه بسیاری اما و اگرها درباره اجازه دسترسی‌های بیشتر مطرح شد. با این حال همان زمان ملرک ویدیرکر، سخنگوی آژانس اعلام کرد برخی مدعی‌اند دیپرخانه آژانس در حال پنهان کردن اطلاعات است و بین اعضای آژانس اختلافاتی جدی درباره مفاد گزارش جدید آژانس درباره برنامه هسته‌ای ایران وجود دارد. واضح است که این اتهامات هیچگونه پایه و اساسی در واقع ندارد.

البرادعی بعدها در کتاب «عصر فریب» که تقریری از خاطرات او در دوران مسئولیتش در آژانس بود نوشت: «آمریکا به دنبال از بین بردن استقلال آژانس انرژی اتمی و تبدیل کردن آن به مجموعه‌ای تحت نظارت و ابزار خود بود. اگر کسی به خاطر استفاده نابجا از اصطلاح مدرک اعتبار خود را از دست داده باشد، این؛ آمریکایی‌ها و متحدان آن بودند که با حمله مصیبت باری وارد جنگ عراق شدند. ما هر روز در جلسات شورای حکام مدرکی بودیم که نقاشی از تمایل آمریکا و انگلستان برای ارتقای اطلاعات جاسوسی و بررسی نشده به عنوان مدرک بود. حمله به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به دلیلی تبعیت از حقایق، به نحو بی‌شرمانه‌ای ریاکارانه بود.»(عصر فریب، دیپلماسی اتمی در دوران خیانت، ص ۱۴۹)

البرادعی پس از حمله اخیر اسرائیل و آمریکا به ایران با زبانی آتشین که دیگر ملاحظات سیاسی یک رئیس آژانس را نداشت، در صفحه توئیترش نوشت: «دو کشوری (آمریکا و رژیم صهیونیستی) که هزاران سلاح هسته‌ای را در خاورمیانه نگه داشته‌اند و هیچ‌گاه به پادافتادند که عضو معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (NPT) هستند، جنگی جنایتکارانه علیه ایران به راه انداختند که در تضاد با منشور سازمان ملل و تمام قوانین بین‌المللی است و بازرسان بین‌المللی هم هیچ دلایل و شواهدی مبنی بر وجود برنامه نظامی هسته‌ای پیدا نکردند. این جنگ یادآور جنگ فاجعه بار علیه عراق است که فریبکارانه و بر تضاد با گزارش‌های بازرسان بین‌المللی مبنی بر نبودن هیچ گونه سلاح کشتار جمعی انجام شد. این جنگ برای منطقه و تمام مردم آن ویرانگر خواهد بود و همانند جنگ عراق و جنگ کنونی غزه، مشروعیتی ندارد و تاخت و تاز نمایندگان کشورهای بزرگ بوده‌اند. اما نکته اینجاست که در موضوع هسته‌ای ایران و نقش‌آفرینی گروسی، این لابی‌گری و نگهداری منافع به حمله اخیر اسرائیل، کشته شدن شمار زیادی از مردم، ترور دانشمندان هسته‌ای و نابودی سرمایه‌های مادی و معنوی کشور انجامیدهاست.

مسئله مهم این است که رافائل گروسی مسیری طولانی طی شده است و آن بی‌اعتبار شدن تدریجی یک نهاد بین‌المللی تا حد یک شرکت خصوصی که زیر نفوذ آمریکا، اسرائیل و چند کشور غربی است. جایگاه ریاست آژانس انرژی اتمی نیز بیش از آنکه ارتقای جایگاه یافته باشد و امنیت و صلح و پیشرفت را برای جامعه بشری به ارمغان آورده باشد، بازیچه دست گروه اندکی از قدرت‌های جنگ‌طلب برای تامین منافع شخصی و گروهی شده‌است. البرادعی جایی گفته است که «گزارش‌های آژانس را به گونه‌ای تنظیم می‌کردم که برای جنگ طلبان قابل استناد است تا بیرق مصرف حقوقی گروسی به پایان رسیده و قبل از اینکه در خیابان‌های تهران صدای مدیران حرفه‌ای بلند شود که چه شده است که در هنگامه «حمایت» مردم عادی و غیرحرفه‌ای که اتفاقا به توصیه مدیران و متولیان بازار گوش داده و به صورت غیرمستقیم وارد بازار سهام شده‌اند، فراموش شده و از هرگونه حمایتی محروم مانده‌اند؟

همان‌طور که بیان شد، شیوه فعلی «حمایت» از بازار سرمایه نتوانسته است به‌صورت موثر و عادلانه از فعالان بازار سهم حمایت کند و عملا فقط تعداد محدودی که در این لانارتی برنده می‌شوند، طعم شیرین «حمایت» را می‌چشند و جمعیت بسیار بیشتری از آن بی‌بهره‌اند.

علیرضا توکلی کاشی

برش

لطفا «لاتاری» بورس را متوقف کنید

در بیست‌سال گذشته، شیوه‌های مختلفی برای حمایت از بازار سرمایه مورد استفاده قرار گرفته که هریک مزایا و معایبی داشته است. در این میان، شیوه فعلی حمایت از بازار که جزء ناکارآترین آنها بوده و قبلا نیز چندین‌بار تجربه و آزموده شده بود، متاسفانه مجددا به کار گرفته شده است و دریغ از فکر و ایده‌جدید!

به گزارش پیام آشنا به نقل از دنیای اقتصاد، بر روش فعلی حمایت از بازار سرمایه اشکالات متعددی وارد است. اولا این روش حمایت، از نظر حجم کافی نبوده است. در جدول بالا نسبت حجم معاملات به ارزش صفهای فروش نمایش داده شده و همان‌گونه که قابل مشاهده است، همواره بخشی از صفهای فروش سهام بلبتخ داده شده است. اما با این حال این جدول عمق فاجعه را نیز نشان نمی‌دهد زیرا در این جدول صرفا ارزش صفهای فروش ثبت‌شده در سامانه معاملات نمایش داده شده است. درحالی که حجم بسیار بزرگی از متقاضیان فروش سهام، آنچنان شانسی برای فروش سهام خود مشاهده نکرده‌اند. اصولا از ثبت سفارش فروش خود منصرف شده‌اند و تخمین زده می‌شود که بین ۸۰ تا ۲۰۰ همت تقاضای فروش هنوز سفارش خود را در سامانه معاملات ثبت نکرده‌اند. علاوه بر این، جدول زیر، شامل صف فروش صندوق‌های سهام نیست و این در حالی است که حدود ۷ تا ۸۰همت صف فروش صندوق‌های سهام نیز، در بازار به‌صورت پیدا و پنهان وجود دارد. اما اشکال بزرگتری که در شیوه فعلی نحوه حمایت از بازار سهام مشاهده می‌شود این است که به‌دلیل شیوه به‌کار گرفته‌شده در مکانیزم فعلی حمایت، بازار سهام از قالب «رقابت» بر مبنای «تحلیل» خارج شده و تبدیل به «صافه دو سرعت» و یک «بازار لاتاری» بزرگ شده است و در این بلاداشت تلاش داریم تا از این جنبه، موضوع را بیشتر بررسی کنیم.

دو سرعت

مکانیزم معاملات به شیوه‌ای چیده شده است که هر کس با سرعت بیشتری از رانت دسترسی به بازار استفاده کرده و با روش‌های فیزیکی (سرعت تایپ بالاتر) یا رانت تکنولوژیک (مجموعه کدهای برنامه‌نویسی شبکه‌های سریع‌تر) با فاصله نزدیک‌تر به هسته معاملات) بتواند سفارش‌های خود را پس از شنیدن صدای سوت مسابقه در ساعت ۸:۴۵ صبح، سریع‌تر از بقیه در ابتدای صفهای فروش بنشاند و اصطلاحا در مسابقه «سرخطی» برنده شود، تاسف بیشتری در استفاده از «رانت» بازار خواهد داشت. در این میان البته متاعی که هیچ خریداری ندارد همانا «تحلیل» است.

شکل‌گیری «لاتاری»

اما بازی «لاتاری» در آنجا شکل می‌گیرد که نمی‌دانیم مجموعه مدیران و کنترل‌کنندگان بازار در هر روز، اقدامات حمایتی خود را از کدام سهام و به چه میزانی انجام خواهند داد؛ زیرا در این لاتاری، انتخابی برنده خواهند شد که «فرجه حمایت» در آن روز به نام آنها اقتاده باشد و هرگونه از گذشتن از این قاعده، در آن روز به نام آنها تمام خواهد ش